

جامع آزمونی

آراء وحدت رویہ

حقوقی - کیفی

تدوین: محمد مسمی راد



فهرست

مقدمه ۵

بخش اول؛ آراء وحدت رویه حقوقی

فصل ۱: حقوق مدنی ۱۳

فصل ۲: حقوق آئین دادرسی مدنی ۳۹

فصل ۳: حقوق تجارت ۷۷

بخش دوم؛ آراء وحدت رویه کیفری

فصل ۴: حقوق جزاء ۱۰۹

فصل ۵: حقوق آئین دادرسی کیفری ۱۶۹

منابع و مآخذ ۲۲۳

مقدمه

آراء وحدت رویه

رای در لغت به معنای اندیشه و فکر می‌باشد [۱] و رویه نیز به معنای روش و وضع به کار می‌رود [۲]. در اصطلاح به آراء هئیت عمومی دیوان عالی کشور که پیروی از آن برای تمام دادگاه‌ها الزامی است آراء وحدت رویه می‌گویند [۳].

اصولا به موجب اصل ۱۶۶ قانون اساسی وظیفه‌ی قوه قضائیه صدور احکام مستدل و مستند به مواد قانون مجازات است و دادگاه‌ها نیز مکلفند که هر واقعه‌ی جزایی را با قانون مجازات و مواد مربوطه تطبیق کرده و حکم آن را تعیین کنند، اصل استقلال قوانین خاطر نشان می‌کند: قوه‌ی قضائیه نباید به طور عموم و به صورت قاعده‌ی کلی حکم کند، بلکه قانون‌گذاری مربوط به

قوهی مقننه می‌باشد؛ با وجود این هرگاه از طرف دادگاه‌ها در موارد مشابه آرای متفاوتی صادر شده باشد قانونگذار به خاطر حفظ وحدت رویه به قوهی قضائیه اجازه داده تا به خاطر حفظ وحدت رویه در دادگاه‌ها و جلوگیری از تشتت آراء رای وحدت رویه صادر نماید [۴].

وضعیت آراء وحدت رویه پیش از انقلاب

در سال ۱۳۲۸ برای جلوگیری از آراء پراکنده و رویه‌های قضایی متفاوت قانونی تحت عنوان ماده واحده مربوط به رویه قضایی از تصویب گذشت: «هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل، هیئت عمومی دیوان عالی کشور که در این مورد لاقبل با حضور سه چهارم از روسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می‌یابد، موضوع مختلف فیه را بررسی کرده، نسبت به آن اتخاذ تصمیم می‌نمایند. در این صورت نظر اکثریت هیئت مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع بوده و جز به موجب نظر هیئت عمومی یا قانون قابل تغییر نیست. «همچنین به موجب ماده ۳ از مواد الحاقی به آیین دادرسی کیفری مصوب کمیسیون‌های مجلسین سال ۱۳۳۷»: هرگاه از طرف دادگاه‌ها اعم از جزائی و حقوقی راجع به استنباط از قوانین، رویه‌های مختلفی اتخاذ شده باشد، دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیئت عمومی دیوان کشور مطرح نموده رای هیئت عمومی را

در آن باب بخواهد، رای هیئت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی‌اثر است ولی از طرف دادگاه‌ها باید در موارد مشابه پیروی شود».

وضعیت آراء وحدت رویه پس از انقلاب

هر چند پس از انقلاب در قانون اساسی به آراء وحدت رویه اشاره نشده، اما ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری به همین موضوع اشاره می‌کند:

هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه در خواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نیز می‌توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیات عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم روسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رای اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود. آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی‌اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم می‌باشد.

چون قانونگذار برای آراء مذکور اقتداری همانند قانون شناخته است و آن را در حکم قانون به شمار آورده، عموم مردم ناگزیر از رعایت آن هستند. از طرف دیگر چون در اجرای ماده ۲۷۰ دادگاهها در موارد مشابه مکلف به تبعیت از این آراء بوده و این آراء مستند احکام دادگاهها قرار می‌گیرند، پس آراء فوق در زمره مصادر رکن قانونی جرم در حقوق کیفری محسوب می‌شوند، بنابراین آراء وحدت رویه برای کلیه دادگاهها الزام آور و در حکم قانون بوده و بایستی برای اطلاع عامه و محاکم قضایی در روزنامه رسمی کشور منتشر گردد [۵].

برای مثال می‌توان به رای وحدت رویه زیر اشاره کرد؛
باسمه تعالی - چنانچه قتل، خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچ گونه خلافی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل هم صرفا به لحاظ تخلف مقتول باشد، راننده مسئول نبوده و بالنتیجه رأی شعبه ۲۱ دادگاه کیفری مشهد به اتفاق آراء تایید می‌شود.

این رای بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۷ برای کلیه دادگاههای جزایی و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است [۶].

از مهمترین آراء وحدت رویه پس از انقلاب در زمینه‌ی مسائل حقوق جزا می‌توان به عفو عمومی متهمان (۱۳۵۹) - اطفال بزهکار (۱۳۶۰) - ایراد جرح با کارد (۱۳۶۱) - تعلیق مجازات (۱۳۶۲) - کلاهبرداری، قتل غیرعمد و دیه (۱۳۶۳) - مجازات تعزیری (۱۳۶۴) و... اشاره کرد [۷].

آراء وحدت رویه، منبع اصلی یا فرعی

اکثر حقوقدانان آراء وحدت رویه را جزء منابع اصلی حقوق می‌دانند، اما برخی دیگر این آراء را جزء منابع تکمیلی محسوب کرده و به این نکته توجه کرده‌اند که رویه قضایی، چون تفسیر قضایی قانون است، در واقع قانون جدید نیست بلکه در مقام بیان مقصود قانونگذار و معنی درست قانون است و ایجاد قاعده‌ی حقوقی نمی‌کند. بنابراین ایشان سهم رویه‌ی قضایی را به عنوان منبع حقوق جزا فقط در ارتباط با قانون توجیه می‌کنند [۸].

حقوقی

بخش اول



آراء وحدت رویه

حقوقی



فصل ۱

حقوق مدنی

رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد احداث دامداری و سایر موارد مذکور در آن در روستاها با موافقت سازمانهای جهاد کشاورزی و رعایت ضوابط زیست محیطی بهینه کردن تولیدات بخش کشاورزی بوده و تغییر کاربری محسوب نمی شود.

بر حسب مستفاد از تبصره ۴ الحاقی به ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها، احداث دامداری و سایر موارد مذکور در آن، در روستاها، با موافقت سازمان های جهاد کشاورزی و رعایت ضوابط زیست محیطی، بهینه کردن تولیدات بخش کشاورزی بوده و تغییر کاربری محسوب نمی شود و از شمول ماده ۳ اصلاحی قانون مذکور خارج است و در صورت عدم رعایت

شرایط مقرر در تبصره که فوقاً به آن اشاره شد، ضمانت اجرای تخلف از شرط، که در قوانین مربوط پیش بینی شده از سوی دستگاه های ذیربط، در مورد متخلفین، قابل اعمال و اجرا است. بر این اساس رأی شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان قزوین در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

ماده ۱- تبصره ۴ - الحاقی به ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها - احداث گلخانه ها، دامداریها، مرغداریها، پرورش ماهی و سایر تولیدات کشاورزی و کارگاههای صنایع تکمیلی و غذایی در روستاها بهینه کردن تولیدات بخش کشاورزی بوده و تغییر کاربری محسوب نمی شود. موارد مذکور از شمول این ماده مستثنی بوده و با رعایت ضوابط زیست محیطی با موافقت سازمان های جهاد کشاورزی استانها بلامانع می باشد.

ماده ۳ - الحاقی به ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها - کلیه مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغهای موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره (۱) ماده (۱) این قانون اقدام به تغییر کاربری نمایند، علاوه بر قلع و قمع بنا، به پرداخت جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغها به قیمت روز زمین با کاربری جدید که مورد نظر متخلف بوده است و در صورت تکرار

حقوق مدنی
حقوق مدنی

رای وحدت رویه شماره ۷۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرداخت خسارت بدنی ناشی از تصادفات رانندگی

نظر به اینکه براساس ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی زیان دیدگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۳ فلسفه تشکیل «صندوق تأمین خسارت های بدنی» حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت های وارد شده به آنها از سوی شرکت های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آیین نامه اجرایی آن در خصوص نحوه مراجعه زیان دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می شود که نظر قانون گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت به آنان بوده است؛ بنابراین در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت بدنی زیان دیده، دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی و اظهارنظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعاوی حقوقی در این موارد ضرورت ندارد. بدیهی است در صورت پرداخت خسارت نیز اقدامات قضایی برای تعقیب و شناسایی راننده مقصر باید ادامه یابد؛ بنا به مراتب رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های

عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

ماده ۱۰- به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارتهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضاء بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسؤول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارتهای بدنی خارج از شرایط بیمه نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد.

مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی ایران و تصویب مجمع عمومی و با حکم رئیس مجمع عمومی منصوب می گردد. مجمع عمومی صندوق با عضویت وزراء امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی و دادگستری و رئیس کل بیمه مرکزی ایران حداقل یک بار در سال تشکیل می شود. بودجه، ترازنامه و خط مشی صندوق به تصویب مجمع خواهد رسید. متن کامل ترازنامه صندوق از طریق روزنامه رسمی و یکی از جرائد کثیرالانتشار منتشر خواهد شد.

تبصره ۱- میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارتهای بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۴) این قانون و تبصره ذیل آن خواهد بود.

تبصره ۲- مرکز صندوق تهران است و در صورت لزوم می تواند با تصویب مجمع عمومی صندوق در مراکز استانها شعبه ایجاد یا نمایندگی

اعطاء نماید.

تصویر ۳- هزینه‌هایی که بیمه مرکزی ایران برای اداره صندوق متحمل می‌گردد حداکثر تا سه درصد (۳٪) از درآمدهای سالانه صندوق از محل منابع درآمد آن پرداخت خواهد شد.

رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد نحوه پرداخت غرامت بایع به مشتری در صورتیکه مبیع مستحق للغير باشد.

به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد اثری در تملک ندارد، یعنی مبیع و ثمن کماکان در مالکیت بایع و مشتری باقی می‌ماند و حسب مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مرقوم، اگر بعد از قبض ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق للغير برآید، بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن، با توجه به اطلاق عنوان غرامات در ماده ۳۹۱ قانون مدنی بایع قانوناً ملزم به جبران آن است؛ بنابراین دادنامه شماره ۳۶۰ مورخ ۳۱/۳/۱۳۸۹ شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب

۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

ماده ۳۶۵- قانون مدنی - بیع فاسد اثری در تملک ندارد.
ماده ۳۹۰- قانون مدنی - اگر بعد از قبض ثمن مبیع کلایا جزاء مستحق للغير در آید بایع ضامن است اگرچه تصریح به ضمان نشده باشد.
ماده ۳۹۱- قانون مدنی - در صورت مستحق للغير بر آمدن کل یا بعض از مبیع بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری بوجود فساد بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز بر آید.

که سوال ۵ حقوق مدنی در آزمون وکالت ۹۴

۵- به موجب منطوق رای وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در باب ضمان درک کدام مورد در خصوص تعهد فروشنده فضولی صحیح است؟

- الف) باید علاوه بر ثمن قیمت روز مبیع را به مشتری مسترد کند.
- ب) باید از باب تعهد استرداد ثمن قیمت روز مبیع را به مشتری مسترد کند.
- ج) باید بر مبنای تعهد پرداخت غرامت کاهش ارزش ثمن را جبران کند.
- د) ضامن حق مراجعه به مضمون عنه را دارد.

گزینه (ج) صحیح است.

با توجه به نص رای وحدت رویه که آمده است:
 ...از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز بر آید.